

نجم باختر

۲ • ۱۳۲۹



ششکاعو امیرکا

شماره هشتم، بهشتیاس ۱۳۲۹

فهرست مندرجات

- ۱ نطق بالذخیرت عبدالقیس، حریرت سعید.
- ۲ بشارت از یوریت سعید، قلم آقا میرزا احمد سهراب.
- ۳ خلاصه از شرح حال آقا میرزا جعفر صلاوات شیرازی.
- ۴ لوح مبارک که چند سال پیش در رومخانه آقا میرزا جعفر شادان.
- ۵ عکس مهمان خانه روحانی و آقا میرزا جعفر شیرازی حجازی.

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

صفحه اول ۱
جلد چهارم ۴
شماره هشتم ۸
قیمت اشتراك در هر
ارگت ۱

مَجَلَّةُ الْبَحْثِ

۱۳۲۹

PAGE ۱
VOL. IV
No: 8
سالی دوازده قران
ماه اسفند ۱۳۲۹

این مجله بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل دینی و بشر و وحدت دیان و انتشار علوم و فنون از یونان و تریست اطفال و پیشرفت ما حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقاقت این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک اداره است قبول و نشر خواهد گردید

نَظْمٌ مَبَارَكٌ

نظوم مبارک حضرت عبداله‌آ، شب ۱۹ جون ۱۹۱۳ در خیمه مسافرین در پورت سعید مصر بعد از مراجعت از ممالک اروپا و آمریکا

خیل امر عجیبی است ! در پورت سعید چنین مجلس عظیمی عقد شده خرباست ملوک سرازخاک برون آرند و به بیند که چگونه آیات آیات حق بلند گشته و اعلام ظالمان سرنگون شده ! در بغداد شیخ عبدالحسین مجتهد هر وقتی فرصتی می یافت خفیا القانانی میکرد ولی جمال مبارک جواب میفرمودند از جمله القانات او این بود شبی بهمر از آن خویش گفت که در خواب دیدم که پادشاه قهار ایران در زیر قبه ای نشسته بمن گفت خاب شیخ مطهرن باش که شمشیر من بهایان را قطع و قطع نماید و بر آن قبه آیه الکرسی بخط انگریزی نوشته شده بود جمال مبارک بواسطه فرزند العیاد خان فخرالدوله فرمودند که " این خواب صادق است زیرا آیه الکرسی همان آیه الکرسی بود و لفظ انگریزی بوده باشد یعنی این امر بهائی همان امر الهی اسلام است و لکن خط تغییر کرده یعنی لفظ تغییر کرده و لکن همان حقیقت و

معاست و اما این قبه این امر الله است و آن محیط و متوکل بر پادشاه و پادشاه در ظل او و البته او غالب حال شاه و شیخ کجاست که به بیند در پورت سعید اقلیم مصر چنین جمعیتی در زیر این خیمه تشکیل یافته است و تماشا کنند چه خیمه خوبی است خیل مکررات مخالفین خواستند امر الله را محو نمایند اما امر الهی بلند تر شد و بریدن آن لطفوا لئلا الله باقوا لهم ویای الله الا ان نیتهم زیرا خدا امرش را ظاهر و نورش را باهر و فیضش را کامل مینماید خلاصه چیزی نگذشت که بغداد بزلزله درآمد جمعی از علما از جمله میرزا علینقی سید محمد شیخ عبدالحسین و شیخ محمد حسین ابن مجتهدین شخصی شهر از علما که ستمی بمیرزا حسن عمربود انتخاب کردند و مخصوصا مبارک فرستادند و بواسطه زین العابدین خان فخرالدوله مشرف شد اول سوالات علیه نمود جوابهای کافی شنید عرض نمود که در مسئله علم سلم و محقق است هیچ کس حرفی ندارد جمیع علما معترف و قانعند لکن حضرات علما فرستاده اند که امور خارج القاعده ظاهر شود تا باطنیان قلب آنان گردد فرمودند بسیار خوب ولی امر الهی علیه صیان نیت چنانچه در قرآن از لسان معترضین میفرماید ' وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّى

تَجْرًا مِّنَ الْأَرْضِ يَنُوعًا ۚ وَبَعْضٌ مِّنْهُ أَوْ كَلِمَاتٌ
 بِيَّتٍ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَابِئِ بِنَافِثَةٍ وَتَلَدَانِ كَقَبِيلًا ۚ وَبَعْضٌ
 كَقَبِيلٍ أَوْ تَرْقِي مِنَ السَّمَاءِ ۚ وَلَيْسَ نَوْمٌ لِّرُؤْيَاكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ
 عَلَيْكَ آيَاتُنَا ۚ وَرَجَابٌ هَمَّ بِهَا مَيِّرًا يَدُ قَلْبِي بِنَا
 زِيٍّ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشِيرًا سَوِيًّا ۚ أَمَا مَن يَكُونُ خَلِيلًا
 خَيْرٌ وَبِئْسَ مَا هَا مَتَّفَقٌ شَرِيحٌ وَيَكُ مَسْئَلًا مِّنْ
 كُنْدِكَ ۚ أَكْرَظَاهِرٌ شَدِيدٌ بَرَاءِ مَا شَبَّهَ نِي نَمِي مَانِدٌ وَ
 بِنُوبِيْدٍ وَبِهِرْ كُنْدٍ وَتَسْلِيمٌ نَمَانِدُ أَوْ قَتٌ مِّنْ يَلِكِ
 شَخْصِيًّا مَيِّرْتَمِ تَأْتِي مَجْمُوعٌ رَظَاهِرٌ نَمَانِدُ

ندای الهی بلند شد و لوله در شهر نیت جز شکن
 زلفیار فتنه در آفاق نیت جز خم ابروی دوست
 نداء الله بلند شد و جمیع گوشها ملتذ گردید و همه
 ارواح مهتر و عقول متحیر که این چه ندایست
 که بلند است این چه کوی است که طالع است
 یکی حیران برد یکی تحقیق نمود یکی بیابرهان
 میکرد جمیع میگفتند که تعالیم حضرت بهاء الله
 فی الحقیقه مثل ندارد روح این عصارت و نور این
 قرن نهایت اعتراض این بود اگر نفسی میگفت
 در انجیل هم شبه این تعالیم هست میگفتم از
 جمله این تعالیم وحدت عالم انسانی است این
 در کدام کتاب است نشان بدهید؟ و صلح عمومی
 است این در کدام کتاب است؟ و دین باید
 سبب محبت و الفت باشد اگر نباشد عدم دین
 بختراست در کدام کتاب است؟ و مساوات
 بین رجال و نساء در کدام کتاب است؟ و ترک
 تعصب مذهبی و دینی و تعصب وطنی و تعصب
 سیاسی و تعصب جنسی است این در کدام
 کتاب است؟ و از این قبل .

میرزا حسن مو قانع شد و گفت دیگر حرف ننماید
 دست مبارک را بزور بوسید و رفت ولی عملاً قبول
 نکردند که شاید این شخص ساحر باشد هر چه گفت
 ای مجتهدین شما را فرستادید و خود چنین خراستید
 فائده نه بخشید گفت ما را رسوا نمودید جمیع از این
 قضیه خبردارند بعد از چندی بکرمانشاه رفت
 و قضیه را بنامه در مجلس عماد الدوله حاکم کرمانشاه
 نقل کرد میرزا غوغای درویش سرامون بود و
 عماد الدوله مرید او و در مجلس حاضر چون تفصیل
 شنید به بغداد و سایر اطراف مرقوم نمود و همچنین
 میرزا حسن شاکر الیه در طهران در مجلس میرزا عبد
 جان وزیر دول حاجه این قضیه را بنامه نقل
 نمود و چون میرزا رضا قلی مرحوم حضور داشت
 تفصیل را مرقوم نمود مقصد این است که با انگریز
 القات و مقاومت شاه نمرند است امر الله غالب
 شد حال الحمد لله شرق سوز است غرب معطرت
 وقتی از طهران به بغداد میرفتم یک نفر از اجابا در راه
 نبود اما در این سفر از هر شهری از بلاد غرب عبور
 کردیم اجابای یافتیم در جاهایی که از پیش شنیده
 نشده بود مثل دَنُور و دبدین و نعل و نستان
 و بردکلین و مشکدر و مشرفال و امثال ذلك

بَشَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بقلم جناب آقا میرزا احمد سلاطین

پورت سعید مورخه ۲۹ جون ۱۹۱۳

رومی فدای رقیبه نورانی این قائم بر خدات سبحانی در این شهر
 وصول یافت و از محبتیان آن نجات سرور رخ کشود الحمد
 لله که شب و روز موفق بر خدمت هستید و مطابقت ضای
 بالک مشی و سلوک مینمایند شکر خدا که در هفتم
 همین ماه کشتی موسوم به "جمالایا" وارد به پورت سعید
 شده و کوبیشاق از آفاق شرق رو بدخشدین گذارد بعد
 با مبارک و تفکرانی به حیفار زده شد تا جمیع مسافری که در این

دست در آنجا انتظار و در قدم ببارک می کشیدند بودند
 و بعد از دو سه روز حضرت ببارک سر و روی روحا وارد
 شدند چون مدتی نفوس بیا در اطاقهای هتل کم لری با لاری
 بام خیمه سلطانی بلند شد و هر روز و هر شب با فل و مجلس
 آسمانی در زیر آن خیمه منعقد میشد در همین ایام شمان
 چهارم فجم باختر وصول یافت و طوبی کل ایران را به پیشانی
 الهی مستبشر نمود و هر یک از مهمات شما اطراف استان می نمودند
 و از اثرهای فجم باختر در شرق حکایاتی تعریف میکردند که اگر
 شما و سایر مدیران می شنیدید دل و جانان شاد و خرم میگشت
 بقاییت سرورم که آن برادر عزیز از جان متوفی با انجام این
 خدمات شده اید . آمار سفر ببارک در اینک و اروپا
 در شرق مانند شمس ظاهر و نمایان است روح جدیدی
 به قلوب بختید و اهتزاز بجوی در دلها افکنده بالهای ضعیف
 را قوی نموده و نفوس پشیموده را سبز و خرم کرده روز اولی
 که احباب بسیار در حضور انور شرف شدند از جمله
 بیانات این بود :-

"ایا حالا اهل ایران بیدار شده اند؟ میدانند از کجا
 هستند؟ هم چنین موهبتی خدا در حق از ما نموده که مثل
 و مانند می ندارد. هم چنین عنایتی در حق از ما مقدم
 گشته. هم چنین تابی خدا بر سر ما گذاشته است حالا
 معلوم نیست بعد معلوم میشود که خداوند چه موهبتی بایران
 و ایرانیان نموده است. اگر ایرانیان بدانند انی الابد افتخار
 کنند و از شدت فرح و سرور پهلوان نمایند. حضرت
 بیان بطیان ظاهر شد اول آنها از او دوری می جستند و
 و تمسخر و شماتت می نمودند بعد فهمیدند که چه نعمتی را از دست
 داده اند وقتی اهالی جمیع اروپا ایمان آوردند آنوقت تعلق
 شدند که چه موهبتی در حق آنها شده ولی از برای هیچ از
 دست دادند حالا حالت ایرانیان هم همین طور است نمیدانند
 که چه عنایتی در حق آنها شده جمیع خلق نهایت آرزوی
 این داشتند که بحضور نفس مبارک شرف شوند!

الحمد لله که شما در بیم جان ببارک بودید در وقتیکه انوار حق
 اعلم در رخشان و باران رحمت بر زبان و فم عنایت در
 سر و روبرو شکویندند با بگوشتید و تبلیغ نمایند و این ایرانیان
 را بیدار کنید . بگویند ای ایرانیان ای ایرانیان هیچ میدانید
 که چه کوکبی از افق ایران طلوع! ای ایرانیان ای ایرانیان هیچ
 میدانید که چه شجر مبارکی در میان شما غنیر شده! ای
 ایرانیان ای ایرانیان هیچ میدانید که چه بحری در میان شما
 موج زده است! بیدار شوید! بیدار شوید! تا یکم غافلید
 تا یکم خوابورید! تا یکم از این موهبت محروم شوید! حالا
 دیگر وقت بیداری است وقت هوشیاری است!

بازی از این قبیل بیانات تشجیع آمیز و عبارات روحا هر
 روز از فم مبارک نازل و بسبب اشتغال و انجذاب قلوب
 میگردد تا آنکه دیروز امر ببارک بر آن صادر که سایر
 مرتضی و بعضی را حجت به بعضی و دیگران از راه اسلامبول
 به روسیه و ایران رجعت نمودند جمیع به خدمت آن
 برادر حقیقی تحت ابدع ابروی میرسانند

میراجعفر هادی آقا فاضل

خلاصه از شرح حال قدوة الاحیاء آقای قاسم زاهد
 هادی آقا شیرازی مؤسس مسافرخانه در پیکان کوه کربل

جناب آقا میرزا جعفر ۳۰ سال است که امر بربانی را قبول و دور
 ایمان و ایقان از جبهه ایشان طلوع قدم در شاه راه ثبوت
 و ریسوخ زده و در هر جا برده در نهایت افتخار با اسم جلیل
 جهانی معروف و مشهور در طریق خدمت چالاک و در میدان
 عبودیت در ساحت مرکز میثاق فانی ۱۲ سال در مدینه
 عشق آباد رحل اقامت افکنده و مصدر عنایت حضرت ایزد
 بوده و حال قریب ۱۷ سال است که در شهر خوقند

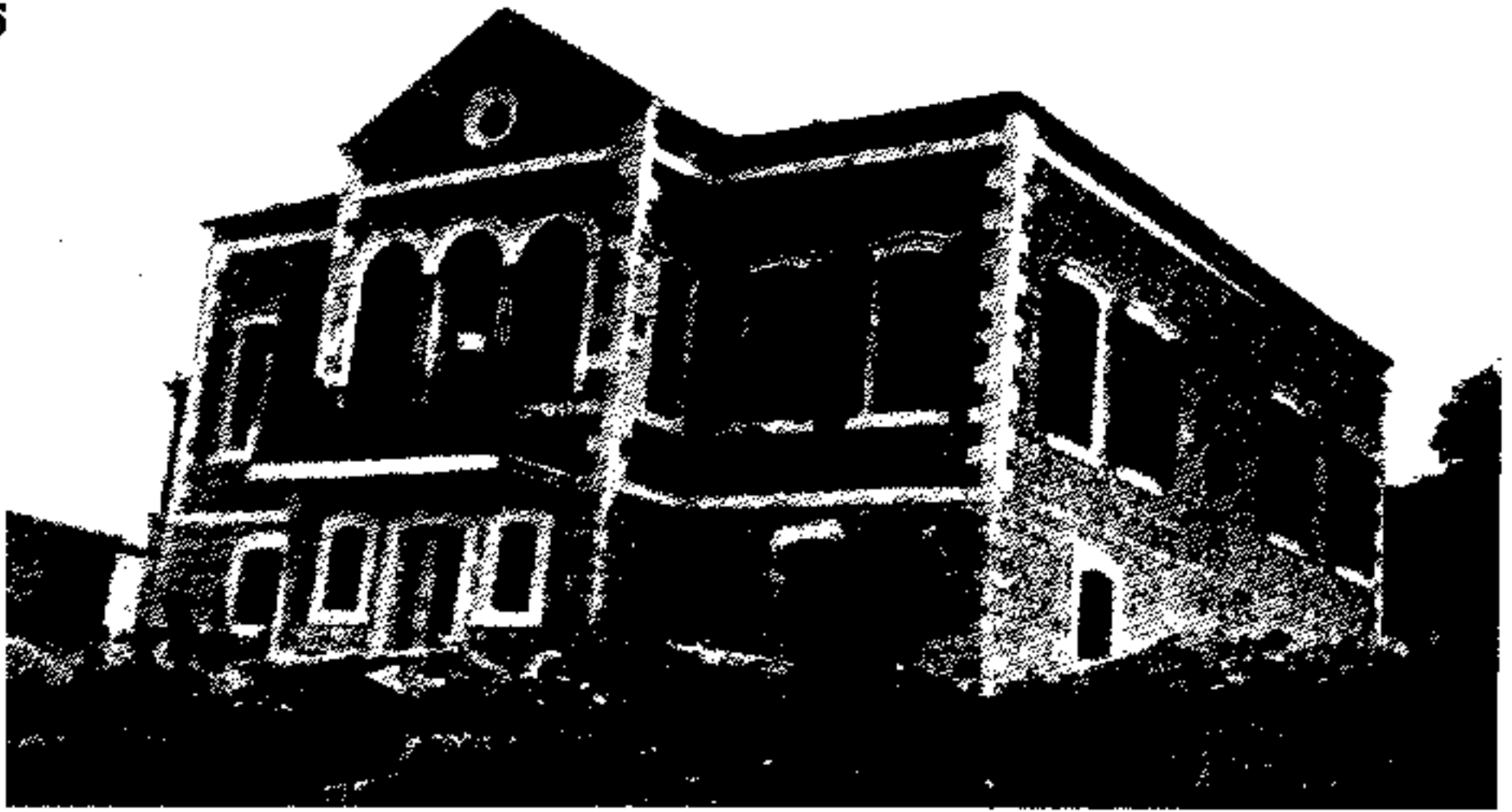
به تجارت و شریعت مشغول بوده اند سفر اولشان
 به ارض مقصود و در روز شان به کعبه جانان ۹ روز
 بعد از غروب شمس حقیقت برد و در همان سفر ۵۷
 روز توقف نموده مصدر غنایات لایحه صادر کردند
 و پیمان حضرت بزدان میشوند و بعد مریخی حال
 کرده رجعت مینماید اما چندی نمیکند که دوباره
 در ۱۲۱۷ سفر و صد غنایات کعبه قدس نموده و محض
 بارگ شرف گشته و ۵۰ روز در بحر غنایات لدنی
 متفرق میگردند . در ۱۲۲۲ سفر شوق
 به ارض مقصود مینماید و در روی کرم در
 اطراف مقام حضرت اعلی روح ماسواه فدا
 زمینی اتباع کرده تا ساخر خانه برای اجاب مینماید
 در ۱۳۱۷ یکی از مجاورین کوه محبوب مینویسد که
 اساس مینماید و اول دو اطاق می سازند و
 در ۱۳۲۸ خودشان نفس سوزی نموده و با ص
 بارگ جدا مینماید بساختن عمارت و آب انبار آن
 مینماید و این سفر اخیر شان صد روز طول
 می کشد و چون عمارت مسافر خانه به ختمی
 و خوبی با تمام می رسد در روز مخصوص از ان قدیم
 حضور حضرت عبداله ها نموده حتی در دفاتر
 دیوانی با اسم مالک قید میشود در همان اوقات
 حضرت مولی الوری دستخط روحها مرقوم مینماید
 و انرا روی قطعه سنگی کند در بالای سر
 در میسازند قوله جل شانہ :-

این بیان مهمان خانه روحانی و نانی
 آقامیرزا جعفر شیرازی رحمانی
 و هم چنین در الواح شتی بیانات مبارک در تعریف و تحمید
 این خدمت شایان بسیار است در یکی از الواح
 مینماید: « هیچ سلطانی چنین قصری ندارد
 تمام قصورها قبور خواهد شد و این بیان ایوان

باقی و بر هر کار باید چنین پایداری
 باشد فی مثل هذا فلیعمل العالمون
 تا اینکه پس از رجعت جمال بی مثال مینماید
 بافاق شرق دوباره در پوریت سعید حضور
 مبارک شرف گشته و از هر جهت ابواب مراحم
 روحانی باز شد و شبی زیر خیمه سلطانی
 مهمانی مفصلی ترتیب دادند و جمیع ستارین
 و مجاورین که قریب هشتاد نفر بودند بر سر
 خوان نعمت ایشان نشستند و حضرت
 محبوب آفاق هم حاضر و خطابه بس غم
 و پراثر آرا فرمودند تا مانع آسمانی نازل گردد
 و قلوب سرجه مدوت ابری شود .

لوح مبارک

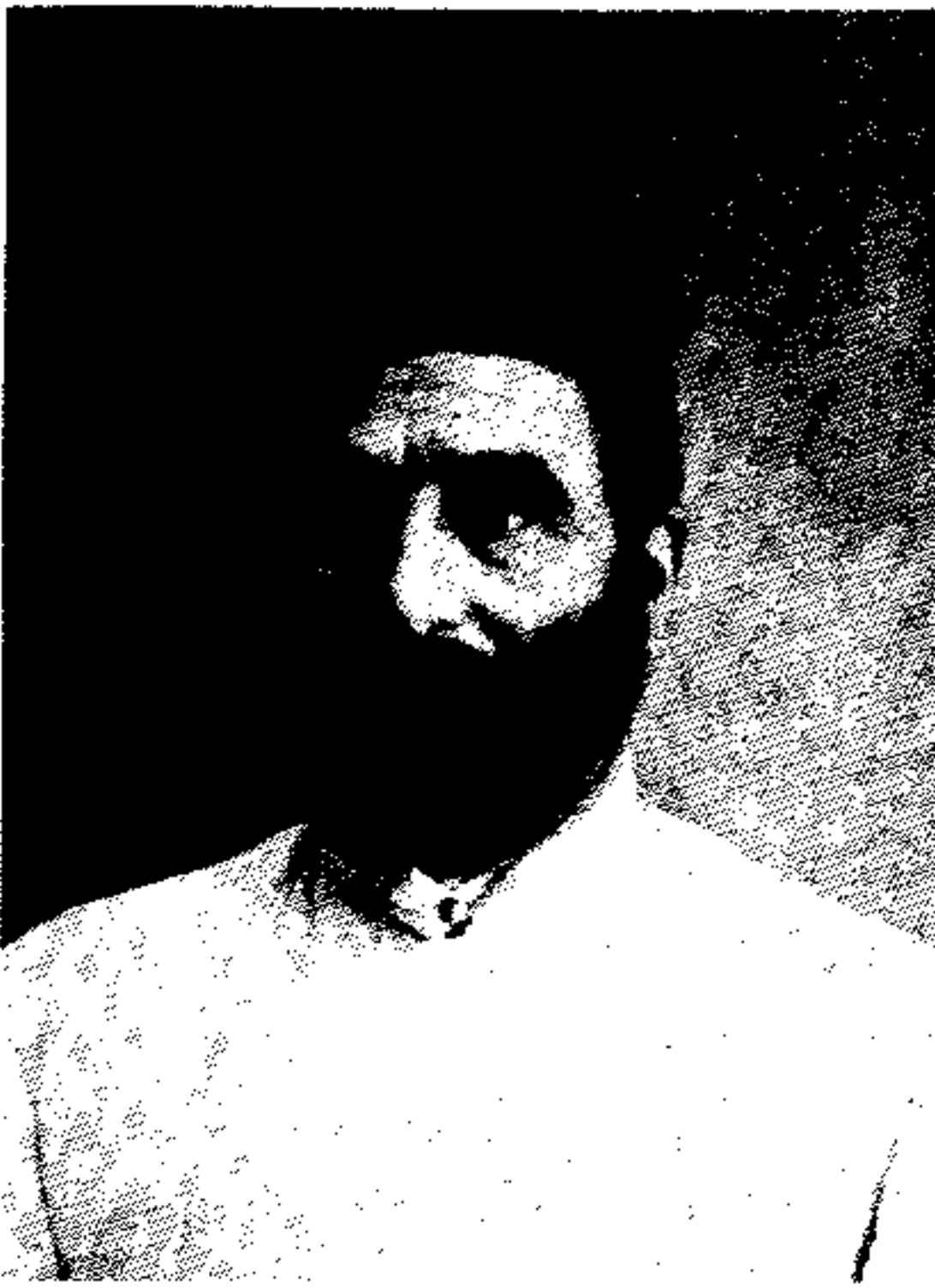
هو الله الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
 تجرى وانكسار و شاهد تبتلى وتصرفي و انبال و تسمع صرخي و صبحي
 و نياحي و يظنون الايام و الليلي رحا عونك و غايتك طالبا
 فضلك و رعيتك املا صوتك و حمايتك منيا حفظك و كمال
 لغور اجالك و خلص صغياك و احفظهم من القسور
 و احرمهم من عينك في كل الايام و شتم على الركب و نور و جوههم بانق
 ساطعة شتم من ملكوتك الا الهى و هب لهم من عندك علما و يدعهم بشيد
 القوي و اجعل لهم الآلة العظمى و املا لهم كاور ساطعة بصيرة العا
 و در لهم كل خير في ملك الاعلى و منهم عبدك جعفر غصفر
 عياض جبر و طير باصر نازك العزيز في حياض فضلك و احسانك
 قدسح اليك و رويد عليك و حضري عتبة قدس العلاء و فرجيتك
 بقضك الكوا و حديمتك العلاء و محمدبا اليك مضطرم الروح و الاضاه
 بارحبتك من الوري و النور و اصيالك النجار و احسانك التقابل و احسانك
 العلاء و انكلك العلاء و ضميرهم باثره بدعية العلاء حتى يستدوا و
 يسترزقوا من فضلك الا و في ما يله السماء و ينشر جواهر الجود
 و العطاء و يذكروا بذكرك من الصباح الى المساء و رب اجعل يومهم هذا



اینستیان مهمانخانه و خانقاه و بنا را آقا میرزا جعفر شیرازی در خیابانی

THIS BUILDING IS THE SPIRITUAL PILGRIM-HOUSE [HOSPICE ON MOUNT CARMEL] AND ITS BUILDER IS MIRZA DJAFAR CHIRAZI THE MERCIFUL.

أنت الكريم
الرجيم العزيز
الوهاب وانك
أنت القوي العلي
العظيم الكريم
الرحمن
ع ع



سعد الأناة وبيع
الآلاء ساطعة الشمس
لايعة الأنوار طيه
الشذا رحيمة العبا
لذرة الرداء منيمة
بتلك الحديقة العلياء
وانس أطاحلهم
مفضلتك وقلوبهم
مفضلتك ونور
انصاهم بمشاهد
أبارك وشيف
أذانبهم بأستماع
أذكارك وانطق
ليانهم بالتأاء
عليك واجعل
أقديتهم طائفة
بمجتك إنك

آقا میرزا جعفر هادی اف شیرازی
MIRZA DJAFAR HADI-OF CHIRAZI.

مجموعه باختر :- اینست
اسم جناب آقا میرزا
جعفر. اینست شرح
حالش. اینست
همش. این هم عیش
چیز که باقی مانده است
از خدا خواهم امثال
زیاد فرجاید و تبرک
علی الله بعزیز.